

عظمت و مظلومیّتِ امام حسن مجتبی سلام الله علیه

قسمت پانزدهم؛ سحر شنبه ۲۰ اردیبهشت ۹۹

سوره فتح - آیه ۲۹

مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَ الَّذِیْنَ مَعَهُ اَشْدَّاءُ عَلٰی الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا یَبْتَغُوْنَ
فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَ رِضْوَانًا سِیْمَاهُمْ فِی وُجُوْهِهِمْ مِّنْ اَثْرِ السُّجُوْدِ ذٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِی التَّوْرَةِ وَ
مَثَلُهُمْ فِی الْاِنْجِیْلِ كَزَرْعٍ اُخْرِجَ شَطَاؤُهُ فَاَزْرَهُ فَاسْتَعْلَظَ فَاسْتَوٰی عَلٰی سُوْقِهِ یُعْجِبُ الزُّرَّاعَ
لِیَغِیْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللّٰهُ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَ عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ مِنْهُمْ مَّغْفِرَةً وَ اَجْرًا عَظِیْمًا

محمد فرستاده خداست، و کسانی که با اویند، در برابر کافران سرسخت و در میان خود
مهربانند. آنان را می بینی که در حال رکوع و سجودند (نماز را برپا می دارند) و در زندگی دنیا
در پی دستیابی به پاداشی از جانب خدا هستند و خشنودی او را می جویند. علامت خشوع
آنان در برابر خدا که پیامد سجده های آنهاست در رخسارشان نمایان است. این صفت
آنان در تورات و صفتشان در انجیل است.

آنان همچون گیاهانی هستند که جوانه های خود را پیرامون خویش می رویانند و آنها را نیرو
می بخشند تا ستر شوند و خود بر ساقه های خویش استوار بمانند. رشد نیکوی آن
زراعت، کشاورزان را خرسند می سازد. خداوند مؤمنان را بدین سان بر تعدادشان می افزاید
و آنان را نیرومند می سازد، تا به وسیله آن کافران را به خشم آورد. خدا به کسانی از یاران
پیامبر که همچنان بر ایمان و عمل خویش پایبند مانده و کارهای شایسته کرده اند، وعده
آمرزش و پاداشی بزرگ داده است

✓ مظهر عقلانیت

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند : «لو كان العقل رجلاً لكان الحسن»

فرائد السمطين، ج ۲، ص ۶۸.

اگر عقلانیت در قالب انسانی جلوه گر شود، قطعاً آن شخص امام حسن علیه السلام خواهد بود.

✓ تجهیز سپاه کوفه

... فَلَمَّا قُدِّمَ الْكِتَابُ إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَرَأَهُ دَعَا الْحَسَنَ ابْنَهُ وَ عَمَّارَ بْنَ يَاسِرٍ وَ قَيْسَ بْنَ سَعْدٍ فَبَعَثَهُمْ إِلَى أَبِي مُوسَى وَ كَتَبَ مَعَهُمْ: «مَنْ عَبَدَ اللَّهَ عَلِيٌّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَيْسٍ أَمَّا بَعْدُ يَا ابْنَ الْخَائِكِ وَاللَّهِ إِنِّي كُنْتُ لَأَرَى أَنَّ بُعْدَكَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْكَ اللَّهُ لَهُ أَهْلًا وَ لَا جَعَلَ لَكَ فِيهِ نَصِيبًا سَيَمْنَعُكَ مِنْ رَدِّ أَمْرِي وَ قَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ الْحَسَنَ وَ عَمَّارًا وَ قَيْسًا فَأَخْلِ لَهُمُ الْمِصْرَ وَ أَهْلَهُ وَ اعْتَزِلْ عَمَلَنَا مَدُومًا مَدْحُورًا فَإِنْ فَعَلْتَ وَ إِلَّا فَإِنِّي أَمَرْتُهُمْ أَنْ يُتَابِدُوكَ عَلَى سِوَاءِ إِنْ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ فَإِنْ ظَهَرُوا عَلَيْكَ قَطْعُوكَ إِزْبًا وَ السَّلَامَ عَلَى مَنْ شَكَرَ النُّعْمَةَ وَ رَضِيَ بِالتَّبِيعَةِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ رَجَاءَ الْعَاقِبَةِ... ثُمَّ صَعِدَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ ذَكَرَ جَدَّهُ فَصَلَّى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بَابُ هُدًى فَمَنْ دَخَلَهُ اهْتَدَى وَ مَنْ خَالَفَهُ تَرَدَّى»

الجمال و النصره لسيد العترة في حرب البصرة، ص: ۲۴۳ ، تاريخ الطبري ج ۴ ص ۵۰۰، و

مروج الذهب ج ۲ ص ۳۶۸

... چون این نامه [گزارش سرپیچی ابوموسی اشعری] به امیرالمومنین علیه السلام رسید و آن را خواند، امام حسن سلام الله علیه ، عمار بن یاسر و قیس بن سعد بن عباده را فرا خواند و آنان را پیش ابو موسی اشعری روانه کرد و همراه آنان نامه ای به این مضمون مرقوم داشت:

«از بنده خدا امیر المؤمنین به عبد الله بن قیس. اما بعد، ای پسر جولاهک! [شخص فرومایه] به خدا سوگند چنین می‌پنداشتم که از این کار که خدا تو را شایسته آن ندانست و بهره‌ای برای تو در آن قرار نداد، دوری نمی‌کنی. اکنون حسن و عمار و قیس را فرستادم. شهر را به آنان بسپار و از کار ما با خفت خواری، کناره بگیر. اگر چنین کردی که هیچ، وگرنه گفته‌ام به تو اعلان جنگ دهند- که خدای خیانت خیانت‌پیشگان را دوست نمی‌دارد- و اگر بر تو چیره شوند تو را پاره پاره کنند. و درود بر هر کس که نعمتها را سپاسگزار بوده و از بیعت خشنود باشد و برای خداوند به امید فرجام پسندیده عمل کند...»... سپس امام مجتبی علیه السلام به منبر رفتند و پس از حمد الهی و یاد جدش رسول خدا فرمود: ای مردم! امیرالمؤمنین صلوات الله علیه درگاه هدایت است پس هر که داخل شود، هدایت یافته است و هر که مخالفت کند هلاکت گردد.

✓ قهرمان جنگ جمل

وَ دَعَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامَ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَنَفِيَّةِ يَوْمَ الْجَمَلِ فَأَعْطَاهُ رُمْحَهُ وَ قَالَ لَهُ أَقْصِدْ بِهَذَا الرُّمْحِ قِصْدَ الْجَمَلِ فَذَهَبَ فَمَنْعُوهُ بَنُو ضَبَّةَ فَلَمَّا رَجَعَ إِلَى وَالِدِهِ انْتَرَعَ الْحَسَنُ رُمْحَهُ مِنْ يَدِهِ وَ قَصَدَ قِصْدَ الْجَمَلِ وَ طَعَنَهُ بِرُمْحِهِ وَ رَجَعَ إِلَى وَالِدِهِ وَ عَلَى رُمْحِهِ أَثَرُ الدَّمِ فَتَمَعَّرَ وَجْهُ مُحَمَّدٍ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَأْتَفُ فَإِنَّهُ ابْنُ النَّبِيِّ وَ أَنْتَ ابْنُ عَلِيٍّ.

مناقب آل ابي طالب عليهم السلام (لابن شهرآشوب)، ج ۴، ص: ۲۱

ابن شهرآشوب روایت کرده: امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در جنگ جمل پسرش محمد حنفیه را طلبید و نیزه خود را به او داد و فرمود: شتر عایشه را هدف این نیزه قرار ده و آن را از پای درآور. محمد حمله کرد ولی قبیله بنو ضبة (که اطراف شتر عایشه بودند و بسختی از آن حمایت می کردند) مانع پیشرفت او شده و او را از رسیدن به شتر بازداشتند، و محمد بناچار نزد پدر بازگشت. در این وقت امام حسن علیه السلام پیش رفت

و نیزه را از او گرفته و به سوی شتر حمله کرد و خود را بدان رسانده و نیزه اش را به او زده، و در حالیکه خون شتر بر نیزه بود بازگشت.

مجدد که این منظره را دید، رنگش دگرگون شد و خجالت کشید. امیرالمومنین صلوات الله علیه بدو فرمود: ناراحت مشو! چرا که او فرزند رسول خدا، و تو فرزند علی هستی.

✓ بِأَيِّ أَنْتَ وَأُمِّي

أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكَاتِبُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الزَّعْفَرَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ الثَّقَفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ بَكَّارِ الضَّبِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ الْهَدَلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِيرِينَ، قَالَ: سَمِعْتُ غَيْرَ وَاحِدٍ مِنْ مَشِيخَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ يَقُولُ: لَمَّا فَرَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ حَرْبِ أَصْحَابِ الْجَمَلِ لِحَقِّهِ مَرَضٌ وَ حَضَرَتِ الْجُمُعَةُ، فَقَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: انْطَلِقْ يَا بُنَيَّ فَجَمِّعْ بِالنَّاسِ. فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْمَسْجِدِ، فَلَمَّا اسْتَقَلَّ عَلَى الْمِنْبَرِ حَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ تَشَهَّدَ وَ صَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَنَا لِنُبُوتِهِ، وَ اصْطَفَانَا عَلَى خَلْقِهِ وَ بَرِيَّتِهِ، وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا كِتَابَهُ وَ وَحْيَهُ، وَ أَيَّمُ اللَّهُ لَا يَنْتَقِصُنَا أَحَدٌ مِنْ حَقِّنَا شَيْئاً إِلَّا انْتَقَصَهُ اللَّهُ فِي عَاجِلِ دُنْيَاهُ وَ آجِلِ آخِرَتِهِ، وَ لَا يَكُونُ عَلَيْنَا دَوْلَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَنَا الْعَاقِبَةُ «وَ لَتَعْلَمَنَّ نَبَاهُ بَعْدَ حِينٍ». ثُمَّ جَمَعَ بِالنَّاسِ، وَ بَلَغَ أَبَاهُ كَلَامَهُ، فَلَمَّا انْصَرَفَ إِلَى أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَظَرَ إِلَيْهِ **فَمَا مَلَكَ عَظْمَتَهُ أَنْ سَأَلَتْ عَلَى حَدِيثِهِ، ثُمَّ اسْتَدْنَاهُ فَقَبَّلَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَ قَالَ: بِأَيِّ أَنْتَ وَأُمِّي** «ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

الأمالی (للطوسی)، النص، ص: ۱۰۴

هنگامی که امیرالمومنین علیه السلام از جنگ جمل فارغ شد، بیمار گردید، روز جمعه و انجام نماز جمعه فرا رسید، از اینرو به امام حسن علیه السلام فرمود: ای پسر نماز

جمعه را همراه مردم به جای آور، امام به مسجد رفت، آنگاه که بر منبر قرار گرفت حمد و ثنای الهی گفت و بر پیامبر درود فرستاد، سپس فرمود: ای مردم! خداوند ما را برای خود اختیار کرد، و برای دینش به ما خشنود شد، و بر مخلوقاتش ما را برگزید، و کتاب و وحیش را بر ما نازل فرمود، و سوگند به خدا کسی از حق ما چیزی را نخواهد کاست، جز آنکه خداوند در این دنیا و در جهان دیگر از حقش می کاهد، دولتی بر علیه ما حکومت نمی کند، جز آنکه سرانجام به نفع ما خواهد بود، و خبر آنرا بزودی خواهید دانست.

آنگاه نماز جمعه را خواند، سخنان ایشان به گوش پدرش هنگامی که بازگشت و چشمان پدرش به او افتاد نتوانست خود را کنترل کند، و چشمانش پر از اشک شد، و او را در بغل گرفت و بین چشمان آن حضرت را بوسید، و گفت: پدر و مادرم فدایت باد، فرزندان که بعضی از بعضی دیگرند، و خداوند شنوا و دانا است.

✓ سیره عبادی امام حسن علیه السلام

۸- حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَأَزْهَدُهُمْ وَأَفْضَلَهُمْ وَكَانَ إِذَا حَجَّ حَجَّ مَاشِيًا وَرُبَّمَا مَشَى حَافِيًا وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْبَعْثَ وَ النَّشُورَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْمَمَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْعَرْضَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ شَهَقَ شَهَقَةً يُغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا وَكَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِضُهُ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ وَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ يَعُودُ بِهِ مِنَ النَّارِ .

الأمالی (للسدوق)، النص، ص: ۱۷۹

داماد امام مجتبی حضرت زین العابدین علیه السلام می فرماید: امام حسن علیه السلام عابدترین، زاهدترین و برترین مردم زمان خویش بود، هرگاه حج به جا می آورد پیاده و گاهی پا برهنه بود، همیشه این گونه بود که اگر یادی از مرگ و قبر و قیامت می شد گریه می کرد. وقتی یاد گذشتن از صراط می کرد، گریه می کرد، وقتی یادی از عرضه شدن در پیشگاه الهی [برای حساب و کتاب] می کرد، صدای حضرت بلند می شد، تا آنجا که غش می کرد [و بیهوش می افتاد]، و هر گاه برای نماز می ایستاد، بند بند وجود او در مقابل خدایش می لرزید و هر وقت از بهشت و جهنم یاد می کرد، مانند مار گزیده می پیچید، و از خداوند بهشت را درخواست می کرد.

مَا جَاءَ فِي رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ عَنِ الْفَتَّالِ أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ إِذَا تَوَضَّأَ اِزْتَعَدَتْ مَقَاصِلُهُ وَ اِصْفَرَ لَوْنُهُ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ حَقٌّ عَلَيَّ كُلِّ مَنْ وَقَفَ بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّ الْعَرْشِ أَنْ يَصْفَرَ لَوْنُهُ وَ تَزْتَعِدَ مَقَاصِلُهُ وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا بَلَغَ بَابَ الْمَسْجِدِ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ يَقُولُ **إِلَهِي صَبِّفْكَ بِبَابِكَ يَا مُحْسِنُ قَدْ أَنَاكَ الْمُسِيءُ** فَتَجَاوَزَ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدِي بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ يَا كَرِيمُ.

مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص: ۱۴

آن حضرت هنگام وضو گرفتن بدنش می لرزید، و چهره اش زرد می شد، از او درباره راز این امر سؤال شد، فرمود: بر هر کسی که در پیشگاه خداوند می ایستد لازم است که [از عظمت الهی] رنگش زرد و اندامش به لرزه افتد. وقتی که در آستانه مسجد قرار می گرفت، سر به سوی آسمان بلند می کرد و عرضه می داشت: خدایا میهمانت درب خانه ات ایستاده، ای احسان کننده! [بنده] گنه کار به سوی تو آمد، به خوبی آنچه نزد توست، از بدی آنچه نزد من است درگذر. ای [خدای] بخشنده.

✓ كرم امام حسن عليه السلام

أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَلِيٍّ تَيْمَانَ بْنُ حَيْدَرَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي عَدِيٍّ الْكَاتِبُ فِيمَا أُذِنَ لَهُ: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْمُفِيدُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْوَاعِظُ، إِمْلَاءً: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّحْوِيُّ، بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ فِي دَارِي: أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْفَقِيه: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَيُّوبَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ الْعَبَّاسِ الْكِرْمَانِيُّ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ: حَدَّثَنَا حَاتِمُ بْنُ اللَّيْثِ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو الْجَشْمِيُّ: حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ مَصْرُ الْقَارِيُّ عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ زَيْدٍ أَنَّهُ قَالَ: كُنْتُ حَاجًّا إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ، فَبَيْنَا أَنَا فِي الطَّوَافِ إِذْ رَأَيْتُ جَارِيَتَيْنِ وَاقِفَتَيْنِ عِنْدَ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ، إِحْدَاهُمَا تَقُولُ لِأُخْتِهَا: لَا وَ حَقَّ الْمُنْتَجَبِ بِالْوَصِيَّةِ، وَ الْحَاكِمِ بِالسَّوِيَّةِ، الْعَادِلِ فِي الْقَضِيَّةِ، الْعَالِي الْبِنْيَةِ الصَّحِيحِ النَّيَّةِ، بَعْلِ فَاطِمَةَ الْمَرْضِيَّةِ، مَا كَانَ كَذَا وَ كَذَا. قَالَ عَبْدُ الْوَاحِدِ: وَ كُنْتُ أَسْمَعُ، فَقُلْتُ: يَا جَارِيَةَ مَنْ الْمَنْعُوتُ بِهِهِ الصِّفَةِ؟ فَقَالَتْ: ذَلِكَ وَ اللَّهِ عِلْمُ الْأَعْلَامِ، وَ بَابُ الْأَحْكَامِ، وَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، وَ قَاتِلُ الْكُفَّارِ وَ الْفَجَّارِ، وَ رَبَّانِي الْأُمَّةِ وَ رَيْسُ الْأَيْمَةِ، ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ الْهَزْبُ الْعَالِبُ، أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. قُلْتُ: مِنْ أَيْنَ تَعْرِيفِنِ عَلِيًّا؟ قَالَتْ: وَ كَيْفَ لَا أَعْرِفُ مَنْ قُتِلَ أَبِي بَيْنَ يَدَيْهِ فِي يَوْمِ صِفِّينَ، وَ لَقَدْ دَخَلَ عَلَيَّ أُمِّي ذَاتَ يَوْمٍ. فَقَالَ لَهَا: كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا أُمَّ الْأَيْتَامِ؟ فَقَالَتْ لَهُ [أُمِّي]: بِخَيْرٍ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي وَ أُخْتِي هَذِهِ إِلَيْهِ، وَ كَانَ قَدْ أَصَابْتَنِي مِنَ الْجُدْرِيِّ مَا ذَهَبَ [بِهِ]- وَ اللَّهِ- بَصْرِي، فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ تَأَوَّهَ، ثُمَّ طَفِقَ يَقُولُ:

مَا إِنْ تَأَوَّهْتَ مِنْ شَيْءٍ رُزِيْتُ بِهِ كَمَا تَأَوَّهْتُ لِلْأَطْفَالِ فِي الصَّغَرِ
قَدْ مَاتَ وَالِدُهُمْ مَنْ كَانَ يَكْفُلُهُمْ فِي النَّائِبَاتِ وَ فِي الْأَسْفَارِ وَ الْحَضَرِ

ثُمَّ أَمَرَ بِيَدِهِ الْمُبَارَكَةِ عَلَى وَجْهِ، فَانْفَتَحَتْ عَيْنَايَ لَوْفَتِي وَ سَاعَتِي، فَوَ اللَّهُ يَا ابْنَ أَخِي إِيَّيْ لَأَنْظُرُ إِلَى الْجَمَلِ الشَّارِدِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ، كُلُّ ذَلِكَ بِرِكَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ أَعْطَانَا شَيْئًا مِنْ بَيْتِ الْمَالِ، وَ طَيَّبَ قَلْبَنَا، وَ رَجَعَ. قَالَ عَبْدُ الْوَاحِدِ: فَلَمَّا

سَمِعْتُ هَذَا الْقَوْلَ قُمْتُ إِلَى دِينَارٍ مِنْ نَفَقَتِي فَأَعْطَيْتُهَا وَ قُلْتُ: حُذِي يَا جَارِيَةُ هَذَا وَ اسْتَعِينِي بِهِ عَلَى وَقْتِكِ. قَالَتْ: إِلَيْكَ عَيِّي يَا رَجُلُ فَقَدْ خَلَفْنَا خَيْرَ سَلَفٍ عَلَى خَيْرِ خَلْفٍ، نَحْنُ وَ اللَّهُ الْيَوْمَ فِي عِيَالِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. [فَوَلَّتْ] وَ طَفِقَتْ تَقُولُ:

مَا نَيْطُ حُبِّ عَلِيٍّ فِي حُنَاقِ فَتَى
وَلَا لَهُ قَدَمٌ زَلَّ الزَّمَانُ بِهِ
إِلَّا لَهُ شَهَدَتْ بِالنُّعْمَةِ النُّعْمُ
إِلَّا لَهُ أَثْبَتَتْ مِنْ بَعْدِهَا قَدَمٌ
لَوْ أَنَّ لِي مَا حَوْتُهُ الْعَرَبُ وَ الْعَجَمُ
مَا سَرَّنِي أَنْ أَكُنْ مِنْ غَيْرِ شَيْعَتِهِ

الأربعون حديثاً (للرازي)، ص: ٧٥

✓ مظلوميت امام حسن عليه السلام

10999- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الزُّبَيْرِيُّ، حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ مَرْذَانِبَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي نُعْمٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج١٧، ص: ٣١؛ سنن الترمذي، ج٥، ص: ٤٧٣

قال المباركفوري في شرحه للترمذي: قال المظهر يعني هما أفضل من مات شاباً في سبيل الله من أصحاب الجنة ولم يرد به سن الشباب لأنهما ماتا وقد كهلا بل ما يفعله الشباب من المروءة، كما يقال فلان فتى وإن كان شيخاً يشير إلى مروءته وفتوته، أو أنهما سيدي أهل الجنة سوى الأنبياء والخلفاء الراشدين وذلك لأن أهل الجنة كلهم في سن واحد وهو الشباب وليس فيهم شيخ ولا كهل. قال الطيبي: ويمكن أن يراد هما الآن سيدي شباب من هم من أهل الجنة من شبان هذا الزمان. انتهى.

✓ خیانت البانی

کتاب «الجامع الصغیر» ، یکی از جوامع روایی معروف اهل سنت است که مؤلف آن یعنی «جلال الدین سیوطی» با روش الفبایی (بر حسب ابتدای روایات) این جامع حدیثی را تدوین کرده است. «سیوطی» در این کتاب، این روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که به اهل بیت خود فرمود: «أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، وَسَلَّمَ لِمَنْ سَأَلْتُمْ» را از زید بن ارقم و از کتابهای زیر نقل می‌نماید:

◆ روایت ترمذی:

حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ الْبَغْدَادِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ قَادِمٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَسْبَاطُ بْنُ نَصْرِ الْهَمْدَانِيُّ، عَنِ السُّدِّيِّ، عَنْ صُبَيْحِ مَوْلَى أُمِّ سَلَمَةَ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ: أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، وَسَلَّمَ لِمَنْ سَأَلْتُمْ.

◆ روایت ابن ماجه:

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْخَلَّالُ، وَعَلِيُّ بْنُ الْمُنْذِرِ، قَالَا: حَدَّثَنَا أَبُو غَسَّانَ، حَدَّثَنَا أَسْبَاطُ بْنُ نَصْرِ، عَنِ السُّدِّيِّ، عَنْ صُبَيْحِ مَوْلَى أُمِّ سَلَمَةَ

عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لِعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ: "أَنَا سَلَّمَ لِمَنْ سَأَلْتُمْ، حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ"

◆ روایت حاکم نیشابوری در المستدرک:

حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، ثنا الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدٍ الدُّورِيُّ، ثنا مَالِكُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، ثنا أَسْبَاطُ بْنُ نَصْرِ الْهَمْدَانِيُّ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّدِّيِّ، عَنْ صُبَيْحِ مَوْلَى أُمِّ سَلَمَةَ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَنَّهُ قَالَ لِعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ: «أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، وَسَلَّمَ لِمَنْ سَأَلْتُمْ»

❖ روایت ابن حبان:

أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ سُفْيَانَ، حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، حَدَّثَنَا مَالِكُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ
أَسْبَاطِ بْنِ نَضْرٍ، عَنِ السُّدِّيِّ، عَنْ صُبَيْحِ مَوْلَى أُمِّ سَلَمَةَ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ لِفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ: «أَنَا حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَسَلَّمَ
لِمَنْ سَأَلَكُمْ»

نکته قابل توجه این است که «محمد ناصر الدین البانی» محدث و سلفی مشهور، به
پالایش روایات کتاب «الجامع الصغیر» دست زده و این کتاب را با دو عنوان «صحیح
الجامع الصغیر و زیادته» و «ضعیف الجامع الصغیر و زیادته» به چاپ رسانده است.

البانی، در کتاب «صحیح الجامع الصغیر و زیادته» در ذیل این روایت، تصریح به
«حسن» بودن آن می‌کند، ولی با کمال تعجب در پاورقی، این روایت را فقط شامل
حضرت زهرا و امام حسین علیهما السلام می‌داند.

از متن روایات سه کتاب سنن ترمذی، سنن ابن ماجه و مستدرک حاکم نیشابوری، معلوم
می‌شود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این عبارت را به امیرالمؤمنین، حضرت
زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام فرموده است، هر چند ابن حبان در صحیح
خود، نام امیرالمؤمنین را اسقاط نموده است.

این روایت به صراحت بیان می‌کند، کسانی همچون معاویه و اصحاب جمل که علم
جنگ با امیرالمؤمنین علیه السلام را بر افراشته اند، در واقع با رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم جنگیده اند و البانی بهتر از هر کسی میداند که این مطلب، چه ضرری به
مبانی مذهبش می‌زند، فلذا وقتی میبیند نمیتواند در سندش خدشه کند، در صدد تحریف
معنوی آن برمی‌آید.